

فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال نهم، شماره هفدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۱)



صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهاوندی

دبیر تحریریه:

مهدی مقدادی داودی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

علی اصغر کاویانی

مترجم انگلیسی:

علی رشیدآبادی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- جعفر بستان (نجفی) (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)

- محمدجعفر طیبی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)

- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)

- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- محمد قائینی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)

- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

- سعید واعظی (استاد خارج حوزه علمیه قم)

دوفصلنامه فقه و اجتهاد بر اساس نامه شماره ۱۲۱۲۳
شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های
علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۶/۱ از شماره دهم به رتبه
علمی - پژوهشی ارتقا یافته است.

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال



Comparative Validation of Internal Debilitations about the Issuance of Hadiths, from the Perspective of the Two School, Focusing on the Style of the Wise Men

*Seyyed Hamid Jazāeri*¹

*'Abdollāh Bahrāmizad*²

Abstract

One of the methods of validating the issuance authenticity (Hojjiyate Šoduri) of hadiths is to examine the debilitations (Taz'ifaat) introduced into it, with the criterion of concentration (Irtikāz) and the method of the wise men (sireh 'oqalā). The comparative study of the debilitations mentioned in the traditions of the two schools (Fariqayn) paves the way for a better understanding of the hadith, jurisprudence and principles of Islamic schools and clearly shows the strengths and weaknesses of the foundations of ijtihad (Mabāni Ijtihādi). In this article, with a descriptive and analytical method, we point out the most important internal causes of debilitation, including the muniment (Sanadi) and textual causes of debilitating in Shia and Sunni traditions.

Paying attention to the double standards in validation, the invalidity of the Rijāli debilitations and confirmations (Towthiqāt), the banning of writing hadith books, and the lack of distinction between Rijaali justice (the narrator's truthfulness) and jurisprudence justice ('idālate Feqhi) in the school of the Sunnis, show the strength of the principles and ijtihad of the shi'a over other Islamic schools on this matter. Also, contrary to the principles of shi'a, the rule of justice of the companions has closed the way for any kind of rational examination of the hadiths of Sunnis.

Intellectual and religious biases (Ta'aşşobāt) have strongly influenced their Rijaali judgments, and even though, in the opinion of some religious scholars, any kind of

1 . Associate Professor of Al-Moştafā Al-'ālamīyya University, Department of Quran and Sciences;
Quran.Olum@chmail.ir

2 . Researcher of Howzeh seminary (corresponding author); ab.mohammad.1363@gmail.com

dissemble (Tadlis) is one of the important reasons for the issuance discrediting of narrations (Bi E'tebāriye Şoduriye Rewāyāt), the majority of the narrations in the narrative books of Sunnis unlike the Shia traditions, are not free of dissembler (Modalles) narrators. The abundance of intermediates, abandoning (Irsāl) and anxiety (Izīrāb) in the muniment (Sanad) and the text of the narration is one of the common causes of the issuance debilitations between the shi'a and other Islamic schools of thought.

Keywords: Validation, Issuance Authenticity, Internal Debilitation, Style of Wise Men.



فقه و اجتهاد

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال نهم، شماره هفدهم (بهار و تابستان ۱۴۰۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵

اعتبار سنجی تطبیقی تضعیفات داخلی نسبت به صدور روایات، از دیدگاه فریقین با محوریت سیره عقلا

سیدحمید جزایری^۱

عبدالله بهرامی زاد^۲

چکیده

یکی از روش‌های اعتبارسنجی حجیت صدور روایات، بررسی تضعیفات وارد شده به آن، با معیار ارتکاز و سیره عقلا است. بررسی تطبیقی تضعیفات مطرح شده در روایات فریقین، راه را برای شناخت بهتر مبانی حدیثی، فقهی و اصولی مذاهب اسلامی هموار نموده و نقاط قوت و ضعف مبانی اجتهادی را به وضوح نشان می‌دهد. در این نوشتار، با روش توصیفی و تحلیلی، به مهم‌ترین علل و اسباب داخلی تضعیف مطرح شده، شامل اسباب تضعیف سندی و متنی نسبت به روایات شیعه و اهل سنت، اشاره می‌کنیم. توجه به معیارهای دوگانه در اعتبارسنجی، بی‌اعتباری تضعیفات و توثیقات رجالی، جریان ممنوعیت نقل و کتاب حدیث و عدم تفکیک میان عدالت رجالی (صدق راوی) و عدالت فقهی در نزد اهل سنت، نشان از قوت مبانی اصولی و اجتهادی امامیه نسبت به سایر مذاهب دیگر در این موضوع دارد. همچنین بر خلاف مبانی امامیه، قاعده عدالت صحابه، راه را برای هر نوع بررسی عقلایی صدور روایات اهل سنت بسته است. تعصبات فکری و مذهبی به شدت در قضاوت‌های رجالی آنها تاثیرگذار بوده و با آنکه در نظر برخی از علمای رجال، مطلق تدلیس، یکی از اسباب مهم جرح و بی‌اعتباری صدور روایت است، غالب اسناد روایات موجود در کتب روایی اهل سنت برخلاف روایات شیعه، خالی از راوی مدلس نیست. کثرت وسائط، ارسال و اضطراب در سند و متن روایت از اسباب مشترک تضعیف صدور میان امامیه و دیگر مذاهب اسلامی است. واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، حجیت صدور، تضعیف داخلی، سیره و روش عقلا.

۱. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، گروه قرآن و علوم؛ Quran.olum@chmail.com

۲. پژوهشگر حوزه علمیه (نویسنده مسئول)؛ ab.mohammad.1363@gmail.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین موضوعات علم اصول، تعیین حجج و امارات معتبر شرعی برای استنباط حکم الهی است. «سنت» به عنوان یکی از مهم‌ترین حجج شرعی بعد از قرآن، در روایات متبلور شده است. در آثار علم اصول، حجیت روایات از بعد صدور، دلالتی و جهتی مورد بررسی واقع شده است. عمده دلیل و معیار محققان اصولی برای احراز حجیت صدور روایات، سیره و طریقه عقلا است. (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۱۹۴ و خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۲۷ و حکیم، ۱۴۱۸، ص ۲۰۴، مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۱ و ابن تیمیه، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۲۰ و ابوالحسن بصری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۰۶)

در متون اصولی و فقهی امامیه و اهل سنت، اسباب و قرائنی برای اعتباربخشی و یا تضعیف صدور یک روایت مطرح شده است که برخی مربوط به متن و سند روایت است که از آن به «اسباب تضعیف داخلی» تعبیر می‌شود. در مقابل، برخی دیگر از اسباب تضعیف، خارج از متن و سند روایت است که از آن به عنوان «اسباب و علل تضعیف خارجی» تعبیر می‌کنند. در این نوشتار درصدد اعتبارسنجی اسباب داخلی تضعیف مطرح شده با محوریت و داوری سیره عقلا هستیم تا خواننده گرامی به نقاط قوت و ضعف مبانی اصولی و اجتهادی فرق اسلامی آشنایی بهتری پیدا کند.

یکی از مهم‌ترین مبانی اجتهاد، احراز صدور احادیث موجود در منابع روایی فریقین است. وانگهی برخی علل و اسباب، مانع از اعتماد به صدور - و متعاقباً حجیت روایت - است. لذا فقیه ناگزیر از بررسی میزان تأثیرگذاری این عوامل است. این نوشتار به اعتبارسنجی تطبیقی مهم‌ترین اسباب داخلی تضعیف مطرح شده بین مدرسه فقهی و اجتهادی امامیه با اهل سنت پرداخته است.

مهم‌ترین هدف تحقیق عبارت است از:

- تبیین نقاط قوت و ضعف مبانی اجتهادی فریقین در اعتبارسنجی روایات؛
- آشنایی با اشتراکات و افتراقات مبانی اجتهادی امامیه و اهل سنت برای ایجاد مفاهمه علمی صحیح؛

□ اثبات مزیت‌های روش اجتهاد فقهای امامیه در اعتبارسنجی روایات نسبت به

فقه مذاهب اهل سنت؛

البته موضوع مورد بحث در این نوشتار به صورت جامع در هیچ کتاب و مقاله‌ای بررسی نشده و فقط در موارد زیر، مباحثی به صورت موردی مطرح شده است:

□ مقاله «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»؛ در این مقاله دیدگاه مشهور وثوق به صدور با نظریه رقیب وثوق سندی ارزیابی و تحلیل شده است. (ربانی بیرجندی، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵ - ۲۰۷)

□ مقاله «جایگاه بحث مضمونی نسبت به بحث صدوری»؛ در این مقاله تأثیرات مضمون روایت در اعتباربخشی به صدور آن بررسی شده است و نویسنده نگاهی انتقادی به شیوه بررسی سندی برخی از فقهای معاصر دارد و برای اثبات اصل صدور، احاطه به مضمون امهات تمام ابواب حدیثی را لازم می‌داند. (سند، ۱۳۸۶، ص ۸۵ - ۱۰۴)

□ مقاله «جستاری در معیارهای اعتبارسنجی روایات تفسیری شیعه»؛ برخی از اسباب تضعیف روایات تفسیری مورد بحث و نقد قرار گرفته است. نویسنده با محک‌هایی مثل موافقت با قرآن، سنت، تاریخ و عقل، برخی از روایات تفسیری را از حیث صدوری آن مورد نقد قرار داده است. (شهیدی و دیگران، ۱۳۹۴ق، ص ۳۰ - ۴۸)

□ مقاله «نقش سند در حجیت حدیث از منظر فریقین»؛ به بررسی مقایسه‌ای جایگاه سند در اعتبار صدوری روایات میان امامیه و اهل سنت پرداخته است. نویسنده در این مقاله، بسندگی و اکتفا به صرف سند را برای اثبات صدور روایت، مورد نقد قرار داده است. (حسنی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۷ - ۱۴۸)

□ مقاله «نظرة سريعة فى أصول مبانى أبناء العامة فى الجرح و التعديل»؛ به بررسی مقایسه‌ای و رجالی جرح‌ها و تعدیل‌ها در میان امامیه و اهل سنت اشاره کرده است. نویسنده با شمردن برخی از تناقض‌های اهل سنت در تضعیف احادیث - همانند حدیث غدیر و برخی از فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام) - به نقد آن اشاره کرده است. از عمده این نقدها می‌توان به رد متعصبانه روایت به بهانه شیعه بودن راوی اشاره کرد. (فرج‌پور، ۱۴۳۲ق، ص ۱۰ - ۵۵)

امتیاز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های سابق، این است که اولاً: به صورت مقارنه‌ای بین مبانی امامیه و اهل سنت است. ثانیاً: تلاش شده تا همه مهم‌ترین اسباب تضعیف با مثال‌های متعدد بررسی شود. ثالثاً: اسباب تضعیف مطرح شده با

محک سیره عقلا سنجیده شود.

بنابراین ادله و قرائن تضعیف داخلی، شامل بررسی اسباب و قرائن تضعیف سندی و متنی یک روایت است. قرائن تضعیف سندی، شامل بحث از مقایسه تطبیقی جایگاه سند در اعتبار روایت، بررسی مهم‌ترین تضعیفات مطرح شده نسبت به راویان حدیث است. در بررسی تطبیقی قرائن تضعیف متنی، بحث از انواع اضطراب و تهافت روایت را دنبال می‌کنیم.

۱. اسباب و قرائن تضعیف سندی

در بحث از اسباب تضعیف سندی یک روایت، ابتدا به مقایسه جایگاه سند در اعتبار صدور احادیث میان شیعه و اهل سنت می‌پردازیم و سپس به مهم‌ترین تضعیفات مطرح شده نسبت راویان احادیث و طرق آن اشاره می‌کنیم:

۱-۱. مقایسه جایگاه و نقش سند در اعتبار صدور روایت

بر اساس دیدگاه مشهور نزد علمای شیعه، معیار و میزان در حجیت و اعتماد به صدور روایت، وثوق و اطمینان عقلانی به صدور روایت از معصومین علیهم‌السلام است. (سبحانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۷۳ و مکارم، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۳۸۸) عوامل بسیاری مثل وثاقت راوی و سند معتبر، عمل اصحاب، تخریج در کتب معتبر و... از قرائن وثوق به صدور یک روایت محسوب می‌شوند. (خمینی، ۱۳۸۲، ج ۲ ص ۱۲۰؛ جزائری، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۴۳)

این‌گونه نیست که صدور روایت به راوی عادل و ثقه و سند معتبر منحصر باشد. (موسوی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۹) البته ضعف طریق و راویان آن، یکی از مهم‌ترین علل بی‌اعتباری و ضعف صدور روایت است که در اعتبارسنجی صدور، مورد توجه فقهای شیعه بوده است. (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۲۲۷ و حلی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۷۴ و موحدی لنگرانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۷) در مقابل، سند روایت در نزد اهل سنت، دین آن‌ها تلقی شده که باید در شناسایی و اعتبار طریق و راویان آن نهایت دقت و تلاش را نمود. (ابوحاتم رازی، ۱۲۷۱، ج ۲، ص ۱۵ و ۱۶)

اسناد در احادیث، همانند نردبانی است که محدث را به هدف خود می‌رساند. (ابن رجب حنبلی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۳۶۷) بر این اساس، در بررسی سند روایت، هیچ‌گونه

تساهل و تقصیری پذیرفتنی نیست؛ زیرا باعث تغییر در حکم الهی می‌شود (مناوی، ج ۲، ص ۳۶۲ و ۳۶۳) علت اهمیت فوق‌العاده سند روایت در نزد اهل سنت، وقوع فتنه‌ها، بدعت‌ها و دروغ‌ها نسبت به رسول خدا ﷺ در صدر اسلام بیان شده است. (عتر، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۵؛ مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶)

نتیجه آنکه سند روایات در نگاه اهل سنت، در مقایسه با امامیه از اهمیت و وزن اثباتی بیشتری برای احراز صدور برخوردار است؛ اما بایسته است نسبت به تضعیفات مطرح شده سندی در نزد اهل سنت، نکات کلیدی زیر را در نظر گرفت که در سه بند بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۱-۱. بند اول: معیارهای دوگانه اهل سنت در تضعیفات صدور روایات

با آنکه اجتناب از تعصبات باطل و دروغ‌گویی، یکی از مهم‌ترین شروط جرح و تعدیل از دیدگاه عقلایی است، ولی شاهد معیارهای دوگانه، متناقض و متأثر از تعصبات باطل در بررسی اعتبار سندی در روایت‌های اهل سنت هستیم. با توجه به تأثیر شدید تعصبات مذهبی و اعتقادی در تضعیف و تعدیل راویان و عدم رعایت ضوابط علمی در جرح و تعدیل، از نظر عقلایی نمی‌توان به صدور و یا عدم صدور روایات اهل سنت اعتماد کرد؛ برای اثبات این امر توجه به دو مسئله زیر کارگشا است:

الف) جرح و تعدیل بر اساس تعصبات مذهبی: تعصبات مذهبی یکی از عوامل تأثیرگذار در قضاوت‌های رجالی علمای اهل سنت بوده است، به گونه‌ای که اگر یک راوی در واقع مجروح بوده باشد، به دلیل هم‌مذهب بودن، درباره او اغماض و سکوت صورت گرفته است. در مقابل اگر آن راوی از مذهب دیگر بود، رذایل و جرح‌های خلاف واقع و دروغ نسبت به آن راوی بیان شده است. (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۱۶ و سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲) ریشه این نوع از قضاوت‌ها، بی‌دینی و تبعیت از هوای نفس است. (ابن جوزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱ و ۲، ص ۲۳)

ابن حزم با انتقاد از برخورد اهل رأی و قیاس با عبدالله ابن لُهیعة - امام، علامه، محدث مصر و استاد امام شافعی (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۵، ص ۹) - می‌گوید: «هرگاه او روایتی موافق دیدگاه‌های آنها نقل کند، ثقه و معتبر است، ولی اگر روایتی خلاف آرای آنها باشد، او فردی ضعیف است». (ابن حزم، ۱۹۰۰، ج ۷، ص ۳۸) یحیی بن معین

که یکی از بزرگ‌ترین علمای رجال اهل سنت است، بدون دلیل و به خاطر تعصب‌های مذهبی، اتهام دروغ‌گویی به ابوبدر کوفی (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ق، ج ۱، ص ۴۰۹) و ابوالاثر نیشابوری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۸) وارد می‌کند. همچنین ابن جوزی، عمارة بن جویین (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۰۳) و یونس بن خباب (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۴) و جوزجانی، ابوبکر بن عیاش (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۳، ص ۳۵۶) و علی بن غراب الفزاری (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۲۶، ج ۲، ص ۳۷۲) را فقط به اتهام شیعه بودن به دروغ‌گویی متهم می‌کند.

احناف روایات مخالف قیاس و اجتهادات شخصی و آرای خود را با بهانه‌تراشی رد می‌کنند (معلمی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۱۰۵) این اختلاف و تعصب، میان اهل حدیث با صوفیه (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۹) حنابله با اشاعره (شوکانی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۱۱) و اهل حدیث با اهل رأی نیز وجود دارد؛ به گونه‌ای که اهل حدیث، اصحاب رأی را همانند اهل کتاب در عدم تصدیق و تکذیب، لحاظ کرده‌اند. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۲۱۵ و ابن عبدالبر، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۴۱۴)

در بسیاری از کتاب‌ها با عناوین تاریخی اهل سنت، همانند تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، تاریخ کبیر و صغیر و... وجود دارد که عمده مباحث آنها تراجم افراد و مباحث رجالی است. بنا به اعتراف سبکی در «طبقات الکبری» و «قاعدة فی المورخین»: «... وقد استقریت فلم أجد مؤرخاً ینتحل عقیده ویخلو کتابه عن الغمز ممن یحید عنها سنة الله فی المورخین وعادته فی النقلة...»، در هیچ کدام از این آثار، از تعصبات مذهبی و اعتقادی خود در قضاوت‌های رجالی متأثر نشده باشند، وجود ندارد. (سبکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۰)

در موارد متعدد، به جهت تعصبات مذهبی و مصالح سیاسی در دفاع از بنی‌امیه، روایات صحیح در مطاعن بنی‌امیه، بالأخص اشخاص لعن و رانده شده رسول خدا ﷺ را نادیده می‌گیرند. (آلبانی، ۱۳۹۰ق، ج ۷، ص ۷۲۵) جرح از سوی نواصبی مثل جوزجانی (از علمای رجالی اهل سنت) نسبت به بزرگان حدیثی اهل کوفه، مثل اعمش (مظفر، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۴۵)، فضل بن دکین ابی‌نعیم (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۹، ص ۱۳۲)، عبیدالله بن موسی (مظفر، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۰۱) و... به خاطر شیعه بودن آنها - به معنی تقدیم حضرت بر دیگر صحابه غیر از شیخین - (سلیمان العلوان، ۲۰۱۹م، ج ۱،

ص ۲۰۰)، بر کسی پوشیده نیست. (عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۶)

ب) جرح و تعدیل بدون ضابطه علمی: جرح و تعدیل بدون قاعده و قانون، یکی از اشکالات اساسی معدلین و جارحین اهل سنت است؛ برای مثال، احمد بن حنبل درباره عمرو بن شعیب می گوید: «اهل حدیث هرگاه می خواهند به او احتجاج می کنند و هر وقت بخواهند او را ترک می کنند!» (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۳۰)

شیوه و عادت ائمه جرح و تعدیل و محدثین، همانند حرمله بن یحیی و احمد بن صالح به گونه ای بوده است که با کوچک ترین بهانه، مثل سلام نکردن و حاضر شدن در کلاس محدث دیگر، احادیث را پاره می کردند و از شرکت در کلاس درس ممانعت به عمل می آوردند. (جرجانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۳)

صرف بلند نشدن در مجلس برای احترام گذاشتن از سوی محمد بن یحیی (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۷)، سوار بر قاطر شدن یک راوی از سوی شعبه بن الحجاج (شهرزی، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۶۱)، ایستاده بول کردن و پرحرفی نمودن زادن از سوی حکم بن عتبیه (ابن امیرالحاج، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۷)، کینه شخصی یحیی بن سعید از همام بن یحیی به جهت شهادت ندادن بر عدالت او (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۱) و صرف موعظه نمودن مالک بن انس از سوی سعد بن ابراهیم زهری (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۰۳) راوی حدیث را جرح و تفسیق نموده اند.

در مقابل روایات کذابین، مدلسین، خوارج، نواصب را می پذیرند (شهرزی، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص: ۶۱) بلکه بالاتر، اموری مثل ریش داشتن و خضاب کردن - همانند عبدالله عمری از نوادگان خلیفه دوم - را از اسباب توثیق یک راوی قرار می دهند. (خطیب بغدادی، ۱۳۳۲م، ج ۱، ص ۹۹) یا اینکه آرای آنها به شدت متأثر از رابطه های دوستی است. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۸۹)

جرح و تعدیل به خاطر تعصبات شهری از دیگر موارد قابل توجه است. اهل کوفه روایات اهل مدینه مثل قاسم بن محمد بن ابی بکر، سالم بن عبدالله بن عمر، عروة بن زبیر بن عوام و... را به جهت مدنی بودن و برعکس اهل مدینه روایت اهل کوفه مثل سفیان ثوری، مسعر، ابوعوانه و... را به دلیل کوفی بودن ترک کردند. (ابن حزم، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۲۲۸) ابن شهاب زهری، همه اهل مکه را به جهت اعتقاد به حلیت ازدواج موقت، جرح کرده است. (ابن عبدالبر، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۲۹۹ و ۳۰۰)

۲-۱-۱. بند دوم: بی اعتباری تضعیفات و توثیقات علمای رجال اهل سنت

قضاوت‌ها و اقوال علمای رجالی اهل سنت، سبب اصلی توثیق و تضعیف راویان حدیث و به تبع آن وثوق و یا تضعیف صدور روایات در نزد آن‌ها است؛ اما مشاهده می‌کنیم که میان علمای رجالی، اختلاف شدید وجود دارد و ائمه رجالی و حدیثی و فقهی، به شدت یکدیگر را جرح و تضعیف کرده‌اند. در ادامه و برای اثبات این مدعا به نمونه‌هایی از جرح‌ها و تضعیفات اشاره می‌شود:

۱. جرح مالک بن انس، امام مذهب مالکی‌ها نسبت به «ابن اسحاق» امام در تاریخ اهل سنت و دجال نامیدن او و متهم کردن او به روایت از یهودی‌ها: «...هَذَا دَجَالٌ مِنَ الدَّجَالَةِ، يَرُوى عَنِ الْيَهُودِ...» (رازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴؛ ابن حنبل، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۵)

۲. جرح مالک بن انس از سوی ابن اسحاق، ابن ابی سلمة، ابن ابی یحیی و عبدالرحمن بن زید (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰) و تکفیر او از سوی ابن ابی ذئب (ابن ابی یعلی، ۲۰۱۱م، ج ۱، ص ۲۵۱) و تناقض اقوال رجالی مالک بن انس و با شیوه حدیثی او در موطا. (زیعلی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۱۶)

۳. جرح‌های رجالی نسبت به «محمد بن اسماعیل بخاری» شامل:

* تکفیر فقهی او توسط ذهلی: «وَمَنْ زَعَمَ أَنَّ لَفْظِي بِالْقُرْآنِ مَخْلُوقٌ فَهَذَا مُبْتَدِعٌ لَا يَجَالِسُ وَلَا يَكَلِّمُ وَمَنْ ذَهَبَ بَعْدَ مَجْلِسِنَا هَذَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَخَارِيِّ فَاتِّهِمُوهُ فَإِنَّهُ لَا يَحْضُرُ مَجْلِسَهُ إِلَّا مَنْ كَانَ عَلَى مِثْلِ مَذْهَبِهِ». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۵۳ و ۴۵۵؛ عسقلانی، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۴۹۲)

* ترک احادیث او توسط ابوزرعة و ابوحاتم رازی. (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۳، ص ۴۵۶)

* کتابت احادیث بعد از چندین روز - در برخی مستندات بعد از شانزده روز - از روی حفظ به گونه‌ای که مورد اعتراض محدثین دیگر نیز قرار می‌گرفت. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۹۶)

* اتهام سرقت و خیانت در حق کتاب استادش علی بن مدینی. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۹، ص ۴۶)

* اتهام تدلیس او در روایت، از سوی ابن منده: «... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مَنْدَةَ: قَوْلُهُ

فِي صَحِيحِهِ قَالَ فَلَانٌ تَدْلِيسٌ...». (ابوزرعه، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۸۲)

* فراوانی راویان بدعت‌گذار در صحیح بخاری، خصوصاً سران خوارج (صنعانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۴) با وجود تصریح آنها به جعل حدیث بر اساس هوای نفسانی. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰)

* تناقض بخاری در ذکر روایت در صحیحش از افرادی که خود، آنها را تضعیف کرده است؛ همانند ایوب بن عائذ، ثابت بن محمد العابد، حصین بن عبد الرحمن السلمی، حمران بن أبان، عبد الرحمن بن یزید بن جابر الأزدی، کهمس بن المنهال، محمد بن یزید الحزامی و مقسم بن بجرة. (مظفر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۳)

* ذکر شدن نام او در کتاب «دیوان الضعفاء والمتروکین وخلق من المجهولین وثقات فیهم لین». (ذهبی، ۱۹۶۷م، ص ۳۴۲)

* فراوانی راویان متهم به تدلیس در صحیح بخاری: از مجموع ۷۲۷۵ کل احادیث صحیح بخاری، تعداد ۶۲۷۲ روایت آن دارای راویانی است که در کتب رجال معتبر اهل سنت به تدلیس متهم هستند؛ یعنی حدود ۸۶ درصد از اسناد صحیح بخاری مبتلا به تدلیس هستند! (خلف، ۲۰۰۱م، ص ۵۹۴)

* نقل روایت از بیش از هشتاد راوی ضعیف از سوی بخاری. (سیوطی، ۲۰۰۰م، ج ۱، ص ۹۲)

* برخورد شدید فقها و اخراج او از بخارا به خاطر فتوای او در اثبات حرمت رضاعی با شیر بهائم. (سرخسی، ۱۴۲۱ق، ج ۳۱، ص ۳۰؛ سیواسی، ۲۰۰۳م، ج ۳، ص ۴۵۷)

۱. اجماع رجالیان، فقها و محدثین اهل سنت در گمراه بودن «ابوحنیفه» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۹۴) و ضعیف الحدیث خواندن او توسط دارقطنی (لکنوی هندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۰) و یهودی دانستن او از سوی ابن ابی شیبۀ. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۴۴۱)

۲. تضعیف یحیی بن سعید قطان نسبت به «ابن سعد» و «عقیل». (ابن حنبل، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۸)

۳. جرح‌های شدید و اتهامات بسیار زشت ابن منده نسبت به «ابی نعیم اصفهانی». (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۳۳، ص ۲۵)

۴. جرح‌های شدید «ابن صاعد» و «ابن جریر» نسبت به یکدیگر. (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۲۳۸)

۵. جرح‌های شدید به خاطر دشمنی بین «ربیعة الراى» و «ابو الزناد». (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۹۵)
۶. جرح عجلی نسبت به «شافعی» و شیعه دانستن او (ذهبی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۱) و ضعیف الحدیث خواندن او توسط یحیی بن معین و متهم بودن شافعی در روایت از اهل بدعت و کذابین توسط محمد بن عبدالحکم. (اندلسی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۲۶)
۷. جرح و تضعیف نسائی و احمد بن صالح نسبت به یکدیگر. (باجی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۲۵)
۸. تکذیب شعبی توسط سعید بن جبیر (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۵، ص ۴۱۹) و اتهام دروغ‌گویی ابراهیم نخعی و شعبی نسبت به همدیگر. (ابن عبدالبر، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۴۱۲)
۹. جرح ابوداود و احمد بن حنبل و ابوزرعه رازی نسبت به یحیی بن معین. (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۱۰)
۱۰. دستبرد علی بن المدینی در احادیث برای کسب رضایت ابن ابی داود (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۷، ص ۳۱۰) و شیطان انسی دانستن او توسط ابوداود طیلانی. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۴۲)
۱۱. ابن حبان اهل غلط‌های فاحش و اوهام زیاد او در حدیث (عسقلانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۱۱۳) و متهم به بی‌دینی و زندقه. (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۹۰)
۱۲. اهل تلبیس و نیرنگ بودن ترمذی در آرای رجالی خود (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص: ۲۲۷) و عدم اعتماد علمای رجالی به آرای او در علم رجال (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۱۶ و ۴۰۷)
- بنا به اعتراف ذهبی - یکی از بزرگ‌ترین علمای رجالی اهل سنت - اختلاف و جرح‌های ائمه حدیثی و رجالی اهل سنت نسبت به یکدیگر، بسیار زیاد است؛ به گونه‌ای که اگر پژوهشگری درصدد جمع‌آوری آن باشد، کتاب‌های متعددی می‌شود؛ (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۱۱۱) تا جایی که هیچ‌کدام از ائمه حدیثی، رجالی و فقهی اهل سنت، بدون جرح نیستند. (سبکی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹)
- نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن جرح‌های وارد شده و اختلافات عمیق میان ائمه رجالی و حدیثی اهل سنت با یکدیگر، اعتماد به اقوال آن‌ها در مباحث حدیثی و رجالی مشکوک می‌شود و بر این اساس، اعتبار صدوری روایات اهل سنت از حیث

سندی دارای خدشه جدی است و به تبع آن، از دیدگاه عقلایی نیز غیرقابل اعتماد محسوب می‌شود. این در حالی است که میان بزرگان حدیثی و رجالی شیعه شاهد کمترین اختلاف و تکذیب رجالی هستیم.

۱-۱-۳. بند سوم: مقایسه سنت مکتوب و سنت نقل شفاهی

از حقایق مسلم تاریخ صدر اسلام، ممنوعیت شدید نقل و کتابت حدیث توسط خلفا، بعد از وفات رسول الله ﷺ است.

با وجود تأکید رسول خدا ﷺ بر کتابت حدیث (ابن حنبل، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۲۱۵) خلیفه اول اقدام به آتش زدن روایات نبوی نمود: «... عائشة قالت جمع أبی الحدیث عن رسول الله صلی الله علیه وسلم فکان خمسمائة حدیث فبات لیلته یتقلب قالت فغمنی فقلت لأی شیء تتقلب لشکوی أو لشیء بلغک فلما أصبح قال ای بنیة هلمی الأحادیث التی هی عندک قالت فجئته بها فدعا بنار فأحرقها». (محب الطبری، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۳؛ ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۰)

خلیفه دوم نیز متأثر از تفکرات یهود ممنوعیت جدی در نقل و کتابت احادیث اعمال کرد: «... فأتوه بکتبهم فأحرقها بالنار، ثم قال: «أمنية كأمنية أهل الكتاب؟...» (خطیب بغدادی، ۱۹۷۴م، ج ۱، ص ۵۲) که تا زمان عمر بن عبدالعزیز به صورت رسمی ادامه یافت. این ممنوعیت باعث شد میان صدور روایت تا کتابت آن، چندین طبقه فاصله افتد و وصول روایت به نسل‌های بعدی، مبتنی بر نقل شفاهی شود.

در مقابل مذهب امامیه، تأکید بر کتابت روایت و سنت مکتوب دارد. این امر در میراث مکتوب روایات نبوی در نزد ائمه همانند صحیفه و جامعه مشهود است. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۲؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۴)

این رویکرد در میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیز ادامه یافت و صدها کتاب مکتوب از احادیث، از حین صدور آن از لسان معصومین علیهم‌السلام نگاشته شد (حر عاملی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۸) که عالم بزرگ شیعه، نجاشی به برخی از این کتاب‌ها و مصنفات اشاره کرده است. بالاتر از این، برخی از کتب، همانند کتاب یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان، حلبی و... به ائمه علیهم‌السلام عرضه و مورد تأیید نیز قرار گرفتند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۳۰، ص ۲۵۴) علاوه بر این امر، ائمه علیهم‌السلام به شدت با افراد و جریان‌های دروغ‌پرداز و

جاعلان حدیث، همانند مغیره بن سعید، (حلی، ۱۳۴۲ق، ص ۵۱۷ و ۵۱۸) ابن بابا قمی، (ساعدی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۳۹) عروة بن یحیی، (ساعدی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۳۸) و ابوالسمهری (ساعدی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۹۸) برخورد داشته و مانع نفوذ روایات و افکار آنها می شدند. (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷)

از دیدگاه سیره عقلا، کتابت یک روایت از حین صدور آن، از حیث ضبط و اتقان، برتری روشنی نسبت به حفظ روایت از طریق نقل شفاهی دارد. به همین دلیل، برخلاف روش امامیه، بسیاری از تضعیفات صدور مرتب با ضبط راوی در احادیث اهل سنت از اهمیت بسیاری برخوردار شده است.

۱-۲. تضعیفات مطرح شده نسبت به راویان در اسناد روایات

تضعیفات مطرح شده نسبت به راویان احادیث، شامل بحث از تضعیفات مرتبط با تمیز راوی، تضعیفات مخل به عدالت و ضبط راوی است که در ادامه آنها را بررسی می کنیم.

۱-۲-۱. تضعیفات مرتبط با تمیز راوی

مبهم، مشترک و مجهول بودن راوی، مهم ترین تضعیفات مرتبط با تمیز راویان حدیث است. قول راجح در برون رفت از این معضل، وجود قرینه برای تعیین وضعیت راوی است که در این باره تفاوتی میان اهل سنت و امامیه نیست. (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۱؛ جلالی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۰۷؛ حسینی، ۱۴۳۰ق، ص ۲۹۹)

۱-۲-۲. تضعیفات مخل به عدالت راوی

تضعیفات مخل به عدالت راوی، یکی از مهم ترین اسباب تضعیف راوی و تبع آن تضعیف سند و صدور یک روایت است. مهم ترین موارد قابل بحث در این نوشتار، موارد زیر است:

الف) تفکیک بین عدالت رجالی و غیر آن: روش و سیره عقلا در احراز اصل صدور یک خبر، عمدتاً جنبه صدق و کذب راوی تأثیرگذار است. مشهور علمای شیعه، بین عدالت فقهی - اعتقادی با عدالت رجالی تفکیک قائل شده اند و در مباحث صدور احادیث، عدالت رجالی و صدق لهجه را معیار قرار داده اند؛ اما باید در نظر داشت به دلیل شدت احتیاط، اصحاب ائمه علیهم السلام روایت نمودن از افراد دارای فسق علنی

و انحراف اعتقادی - مثل عبرتایی، فطحی‌ها و... - را ترک می‌کردند و روایت‌های موجود در کتب برای زمان استقامت آن‌ها در مذهب است. (سند، ۱۴۲۹ق، ص ۷۵)

در مقابل، چنین تفکیکی در میان اهل سنت صورت نگرفته است و تناقض‌های فراوانی مشاهده می‌شود که باعث تشکیک جدی در اعتبار صدور روایت می‌شود. اهل سنت از یک سو فسق راوی را مطلقاً مانع از قبول روایت او دانسته‌اند، (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ آمدی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۳؛ رازی، ج ۴، ص ۵۶۴) اما در مواردی با طرح احتمال توبه راوی، روایات او را پذیرفته‌اند؛ (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۴۱۴ و ج ۱۰، ص ۴۶۴) یا اینکه همانند شیعیان در راوی بدعت‌گذار به دلیل ناچاری و مفساد روایت نکردن از آنها - که باعث از بین رفتن همه روایات، سنت نبوی و خراب شدن دین می‌شود (بغدادی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۱۲۹؛ ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۱، ص ۱۱۸) - مجبور به قبول روایت‌های آنها شده‌اند؛ (ذهبی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴؛ بغدادی، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۱۲۹) بلکه بالاتر، راویان ثقه و مورد اعتماد آن‌ها در چند راوی شیعه محدود شده است. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۴، ص ۲۱۴)

از سوی دیگر، یکی از موجبات فسق و جرح راوی را سبّ صحابه قلمداد کرده‌اند، (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۴، ص ۹؛ ج ۳۷، ص ۲۶۸) ولی ناچار به روایت از ائمه بزرگ حدیثی خود، همانند عبدالرزاق صنعانی و عبیدالله بن موسی عیسی با وجود سبّ صحابه، اعتنای جدی کرده‌اند. (بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۴۲۷)

ب) قاعده عدالت همه صحابه: یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های شیعه و اهل سنت در بررسی صدور روایت، اعتقاد اهل سنت به عدالت همه صحابه است. این امر باعث شده است هیچ‌گونه دقتی در عیوب رجالی صحابه صورت نگیرد و باوجود تکذیب صحابه، اتهام کفر و فسق آن‌ها نسبت به همدیگر و جهنمی بودن اکثر صحابه بر اساس صحیح‌ترین روایت‌های اهل سنت، (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۴۰۷) همگی، آنها را عادل حساب کنند. (شوکانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ غزالی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۲۶) این امر از نگاه عقلایی باعث خدشه جدی در اعتبار صدور روایات اهل سنت است.

روش محدثین شیعه سخت‌گیری یا مسامحه نکردن در صحت احادیث و نقل از راویان بوده است؛ یعنی این‌گونه نبود که اصل را بر عدالت راویان حدیث قرار دهند

و اگر در مواردی از ناصبی یا افراد فاسق دیگر روایت نقل کرده‌اند، به این جهت بوده است که قرائن قطعی بر صحت آن روایت وجود داشته است (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۳۰۹۴) اما در نزد اهل سنت، اصل بر عدالت راویان حدیث و حسن ظن به آنها (بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۱۳۳) - خصوصاً راویان سه قرن اول اسلامی معروف به خیر القرون (زرکشی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۵۷) - است. با در نظر گرفتن این ادله، بسیار روشن است که روش محدثین امامیه برای احراز صدور یک روایت بسیار عقلانی‌تر است.

ج) کفر راوی: مانعیت کفر در قبول روایت، مورد اتفاق شیعه و اهل سنت است. (زرکشی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۲۸) نکته قابل توجه در نزد امامیه، اعتبار و شیوه تضعیفات ابن غضائری - با فرض صحت کتاب و انتساب آن - است که تضعیفات او به دلیل اتهام غلو نسبت به برخی راویان حدیث، همانند محمد بن فضیل (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۷۷۹ و ج ۲۵، ص ۷۷۸۳) و سلمة بن خطاب (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۵، ص ۷۷۹۶) و... ضعف در حدیث، اجتهادی و بر اساس مسلک متن‌شناسی بوده است و فاقد ارزش رجالی است. (زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۶۱ و ج ۴، ص ۱۲۷۴ و ج ۱۰، ص ۳۴۳۱)

باید خاطرنشان کرد که روایت از نواصب و دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام در نزد اهل سنت، باوجود روایات قطعی در منافق و جهنمی بودن آنها، با بهانه دین‌دار بودن آنها، مورد قبول واقع شده است. (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸، ص ۴۱۱) در مقابل، روایت بسیاری از راویان حدیث را به خاطر اعتقاد به رجعت و حب امیرالمؤمنین علیه‌السلام همانند اصبغ بن نباته، (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۱۶ و ج ۳، ص ۳۶۳) داود بن یزید، (ابن جوزی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۶۸) جابر بن یزید، (نیشابوری، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۲) ابو حمزه ثمالی، (عزیزی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۳۶) حارث بن حصیرة، (عزیزی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۱۷۷) رشید هجری، (عزیزی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۳۱۶) سالم بن ابی حفصه، (طبسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۳۲) میناء بن ابی میناء، (طبسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۹۷) عبدالسلام بن صالح الهروی، (طبسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۴۸) سلمة بن کهیل، (طبسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۱۵۱) علی بن جعد، (طبسی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۲۸۱) مومن الطاق (شبستری، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۹۹) و دیگران، جرح و ترک کرده‌اند. روشن است که این تناقضات از اعتبار صدور روایات احادیث اهل سنت، نزد عقلا می‌کاهد.

د) کذب راوی: کذب راوی یکی از موارد مسلم جرح راوی در نزد شیعه و اهل سنت است. علمای شیعه روایاتی را که در آن راویان متهم به دروغ‌گویی، مثل عکرمه (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۵، ص ۱۱۴ و شریف مرتضی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۸۹) و شعبی (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۱) باشد، بی اعتبار می دانند. در نزد اهل سنت، از دیدگاه پدر علم رجال اهل سنت، یعنی شعبه، نهمین احادیث دروغ بوده و از نزد دارقطنی - از بزرگ‌ترین علمای رجال اهل سنت - تشخیص حدیث صحیح از دروغ، همانند یافتن سوزن در انبار کاه است. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۹، ص ۱۰۵؛ بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۳۹۶)

بازار جعل حدیث بسیار داغ بوده است؛ به حدی که ابن لُهیعة، استاد امام شافعی در فقه و حدیث، از بزرگان خوارج نقل می کند که آنها برای هر امری که مطابق میل و هوایشان بود، حدیث جعل می کردند! (خطیب بغدادی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۲۳) با در نظر گرفتن این نکته، اعتبار صدوری احادیث اهل سنت، نزد عقلا به شدت مخدوش می شود.

ه) تدلیس راویان حدیث: یکی از اسباب مهم تضعیف راوی، تدلیس است. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۳۵۵؛ مرعی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۹) تدلیس بر اساس همه معانی آن، نوعی مخفی کردن عیب و ایهام خلاف واقع در روایت است. (سلامه، ۲۰۰۷م، ج ۲، ص ۲۴۴) علمای اهل سنت تدلیس را همانند کذب و زشت‌تر از زنا تلقی کرده‌اند؛ (قاضی ابویعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۵۷؛ جرجانی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۳ و خطیب بغدادی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۳۵۶) با این وجود اکثریت قاطع راویان اهل سنت به تدلیس متهم هستند؛ (ذهبی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۲۸۸؛ سیواسی، ۲۰۰۳م، ج ۲، ص ۵۲۳) به گونه‌ای که کتاب‌های متعددی همانند: «أسماء المدلسین» سیوطی، «التبيين لأسماء المدلسين» ابن عجمی، «المدلسين» ابوزرعة رازی و «تعريف اهل التقديس بمراتب الموصوفين بالتدليس» ابن حجر عسقلانی در زمینه مدلسین نوشته شده است.

با وجود توجیهات برخی از علمای اهل سنت، کثرت راویان مدلس در نزد اهل سنت باعث شک در صدور احادیث آن‌ها در نزد می شود. در مقابل راویان متهم به تدلیس همانند ابوسمینه (نجاشی، ۱۳۶۵ق، ص ۲۹۳) در نزد شیعه بسیار کم و غیرقابل اعتنا هستند. وجود تدلیس در روایات، همانند کذب باعث تشکیک عقلا در صدور احادیث اهل سنت شده است.

۳-۲-۱. تضعیفات مرتبط با ضبط راوی

یکی از مهم‌ترین سبب‌های تضعیف راوی در نزد شیعه و اهل سنت، اختلاط، زوال عقل و حافظه است. (استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ص ۹۰؛ کلباسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۴؛ بغدادی، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۵۸) برخلاف روش امامیه در کتابت احادیث از حین صدور، یکی از مهم‌ترین لوازم نقل شفاهی روایت - به دلیل منع از کتابت حدیث در زمان خلفا - برجسته شدن جایگاه ضبط راویان حدیث در نزد اهل سنت است.

با توجه به کثرت وجود راویانی که دچار دیوانگی، کوری، نسیان و اختلاط در حافظه شده‌اند - به شکلی که کتب متعددی همانند «الاغتیاط بمن رمی من الرواة بالاختلاط» اثر ابوالوفاء عجمی، به این عنوان در رجال اهل سنت نگاشته شده است - در نظر عقلا، اصل صدور احادیث بر مبنای نقل شفاهی با خدشه جدی مواجه می‌شود.

علمای رجال اهل سنت برای اعتبار روایت‌های کسانی که در ضبط ایراد دارند، قائل به تفصیل شده‌اند و روایت‌های قبل از اختلاط و... را معتبر می‌دانند، (شهریزی، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۲۴۸) ولی عدم تفکیک نقل حدیث در اینکه آیا قبل از اختلاط بوده یا بعد از آن، برون‌رفت از این معضل را مشکل می‌کند.

به علاوه برخوردهای گزینشی نیز در میان بوده است؛ برای مثال به شراب‌خواری امثال وکیع بن جراح - از بزرگ‌ترین و مشهورترین راویان نزد اهل سنت (ذهبی، ۱۴۰۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴۷؛ عجلی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۳۴۱) که بیش از دو هزار بار اسم او در اسناد روایات اهل سنت است (کلاباذی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۶۷) - توجهی نمی‌کنند؛ بلکه بالاتر به صرف صحابی بودن یک راوی و اینکه او یک لحظه رسول خدا ﷺ را دیده، او را ضابط قلمداد کرده‌اند؛ (صنعانی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۶۳) این در حالی است که از نسیان صحابه - بالأخص ابوهریره (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۳۶؛ نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۴، ص ۲۱۴) و خلیفه دوم در ماجرای حکم تیمم (مسلم نیشابوری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۰) - از مسلمات است.

۴-۲-۱. تضعیفات وارد شده به اسناد و طریق روایت

کثرت وسایط به دلیل افزایش احتمال تساهل و خطای راویان حدیث از اسباب مشترک ضعف صدور روایت در نزد شیعه و اهل سنت است. (قزوینی، ۱۴۲۷ق،

ص ۶۵۵؛ ابن دقیق، ج ۱، ص ۲۵)

اضطراب در سند در روش اجتهادی امامیه، همانند روایت جواز تمتع از کنیز زوجه بدون اجازه او (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۷۴) و نیز اهل سنت، همانند روایت تعریف مال پیدا شده به مدت سه روز، از اسباب ضعف صدور روایت است.

(انصاری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۲۱؛ سیواسی، ۲۰۰۳م، ج ۶، ص ۱۳۳)

مرسل بودن روایت نیز در نزد فقه امامیه از اسباب ضعف صدور روایت است (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۳ و خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۷) که می‌توان به روایت بنظی از محمد بن مسلم (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۲۹) و روایت احرام اهل مکه از منزل خود (روحانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۸) اشاره کرد.

در نزد اهل سنت نیز ارسال و عدم اتصال سند روایت، همانند مرسلات نخعی و اعمش، از اسباب ضعف و بی‌اعتباری روایت تلقی شده است. (شهریزی، ۱۹۸۴م، ج ۱، ص ۳۱؛ قاضی ابویعلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۲۲)

مرسلات محدثین و راویان بزرگی که اطمینان وجود دارد که آن‌ها از غیر ثقه نقل نمی‌کنند - همانند ابن ابی عمیر در نزد شیعه (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۲) و مالک بن انس در نزد اهل سنت (رازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۲) - خللی در طریق روایت وارد نمی‌کند.

تمامی ائمه اهل مدینه، شام، کوفه و فقهای هفتگانه بزرگ اهل سنت، احادیث را به‌صورت مرسل نقل می‌کردند و اگر کسی بخواهد به روایات مرسل عمل نکند، نتیجه آن ترک عمل به اکثر احادیث نبوی است. (منبجی، ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۸۲) این امر با توجه با جایگاه کلیدی سند در نزد اهل سنت، خدشه جدی به اعتبار صدور روایات وارد می‌کند.

علاوه بر این، جمع بسیاری از راویان صحاح شش‌گانه اهل سنت، دارای جرح‌های رجالی هستند. علامه مظفر در «دلائل الصدق» نام ۳۰۰ راوی (مظفر، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۷ - ۲۸۷) و علامه امینی در «الغدير» نام ۷۰۰ نفر (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۰۱ - ۴۴۶) از این روات را آورده‌اند. این امر نیز باعث خدشه و تشکیک عقلا در صدور روایات آنها خواهد بود.

۲. اسباب و قرائن تضعیف متنی حدیث

یکی دیگر از اسباب تضعیف صدور روایت در نزد امامیه، اضطراب و تهافت مضمون و متنی حدیث است (حلی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۳۵۱) که می‌توان به روایت شهادت بیش از دو نفر عادل برای دیدن ماه شوال برای افطار روزه (عاملی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۱۷۵) و روایت دال بر تفاوت دیه بین مجوس با یهود و نصارا (شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۲۵) اشاره کرد.

این سبب در نزد اهل سنت نیز از علل قاذحه در صدور روایت تلقی شده است (ماهر، ۱۹۹۹م، ص ۲۴۹) که می‌توان به روایت دال بر عدم ارث گذاشتن انبیای الهی اشاره کرد؛ زیرا برخی از روایات آن را در ارث نگذاشتن رسول الله ﷺ منحصر کرده است (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۱۲۶) و برخی روایات دیگر نص در ارث نگذاشتن همه انبیای الهی است. (اصبحی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰۳)

اضطراب متنی ممکن است به صورت تنافی در شروط و قیود و نتایج یک روایت باشد که می‌توان به تنافی قیود و شروط روایات دال بر سهو النبی ﷺ در نماز (بهبهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۸۵) در نزد شیعه و روایات تنافی در شروط و قیود تیمم در تعداد ضربات و مقدار مسح در آن (یاسین الفحل، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۱۴) در نزد اهل سنت اشاره کرد.

اختلاف شدید غیرقابل جمع در الفاظ روایت از دیگر عوامل اضطراب است که می‌توان به روایت عبدالرحمن بن حجاج در تعیین حد برای یائسه شدن که مردد بین ۵۰ سال و ۶۰ سال است (حکیم، بی تا، ج ۴، ص ۴۸) در روایات شیعه و اختلاف در الفاظ حدیث اقامه نماز بر میت در مسجد که در برخی قید «لاشیء علیه» است، در برخی دیگر «لاشیء له» و در برخی دیگر «فلیس له اجر» است (نوی، ۱۳۹۲ق، ج ۷، ص ۴۰) در نزد اهل سنت پرداخت.

رکاکت و عدم فصاحت در متن، جلوه دیگر تهافت و اضطراب متنی حدیث در نزد امامیه و اهل سنت است. (قزوینی، ۱۴۲۷ق، ص ۶۵۵؛ عسقلانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۸) روایت وضو گرفتن رسول خدا ﷺ با نبیذ به جهت عدم متناهی لفظ «صادقین» که ظهور در امام معصوم ﷺ ندارد (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۹) در نزد امامیه و نیز

روایات مرتبط با خروس سفید (الحوت، ۱۴۱۹ق، ص ۱۴۷) در نزد اهل سنت به این دلیل تضعیف شده‌اند.

نبود ارتباط صحیح بین سؤال و جواب، همانند روایت جواز خروج از مکه بدون احرام به دلیل حاجت پیش آمده (قمی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸) و تنافی صدر و ذیل یک روایت، همانند روایت هشام که صدر آن دلالت بر جواز تصرف در ماترک میت دارد و ذیل آن بر عدم جواز تصرف دلالت می‌کند (قمی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۰۸) از دیگر علائم اضطراب متنی روایت هستند که در کتب فقهی امامیه ذکر شده‌اند.

نتیجه‌گیری

برخلاف مبانی اجتهادی امامیه، با توجه به معیارهای دوگانه اهل سنت در توثیق و جرح راویان حدیث و اختلاف شدید میان علمای رجال و حدیث آن‌ها در این موضوع، خدشه و دوگانگی‌های جدی در اعتبار صدور روایات آن‌ها از ناحیه سند وجود دارد.

همچنین با توجه به ممنوعیت نقل و کتابت حدیث بعد از وفات رسول خدا ﷺ و ایجاد فاصله از زمان صدور حدیث تا تثبیت کتبی آن، خدشه دیگری بر اعتبار صدور روایات اهل سنت از دیدگاه عقلایی وارد شد.

در روش امامیه، برای اعتبار سنجی صدور، میان عدالت رجالی و فقهی تفکیک صورت گرفته و خبری از عدالت رجالی همه صحابه نیست. در بحث تضعیفات متنی و تضعیفات وارد شده به اسناد و طرق روایات، امور مرتبط با ضبط و تمییز راوی، شاهد همسویی روش‌های اعتبار سنجی میان امامیه و اهل سنت هستیم.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. ابن أبی یعلی، محمد بن محمد (۱۴۱۰ق). *طبقات الحنابلة*. بیروت، دار المعرفة.
 ۲. ابن أمیر الحاج، محمد بن محمد (۱۴۱۷ق). *التقیریر والتحریر فی علم الأصول*. بیروت: دار الفكر.
 ۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبدالحلیم (۳۹۷ق). *المسودة فی اصول الفقه*. قاهره: دار الکتب العربی.
 ۴. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۱۵ق). *التحقیق فی أحادیث الخلاف*. بیروت، دار الکتب العلمیة.
 ۵. ابن جوزی، عبد الرحمن بن علی (۱۴۰۶ق). *الضعفاء والمتروکین*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۶. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی (۱۴۲۲ق). *نزهة النظر*. ریاض: سفیر.
 ۷. _____ (۱۹۸۶م). *لسان المیزان*. بیروت: مؤسسة الاعلمی.
 ۸. ابن حزم، علی ابن احمد (۱۹۹۸م). *حجة الوداع*. ریاض: بیت الأفكار.
 ۹. _____ (۱۹۰۰م). *المحلی*. بیروت: دار الفكر.
 ۱۰. ابن رجب حنبلی، عبد الرحمن بن احمد (۱۳۲۱ق). *شرح علل الترمذی*. ریاض: مكتبة الرشد.
 ۱۱. ابن عبد البر، یوسف بن عبد البر (۱۳۹۸ق). *جامع بیان العلم وفضله*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۱۲. ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ق). *تاریخ دمشق*. بیروت: دارالفکر.
 ۱۳. أبو یعلی، محمد بن حسین (۱۹۹۰م). *العدة فی أصول الفقه*. ریاض: بی نا.
 ۱۴. استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق). *منهج المقال*. قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
 ۱۵. اصبحی، مالک بن أنس (۱۴۱۳ق). *الموطأ*. دمشق: دار القلم.
 ۱۶. آلبنانی، ناصر الدین (۱۳۹۰ق). *سلسلة الأحادیث الصحیحة*. ریاض: مكتبة المعارف.
 ۱۷. آمدی، علی بن محمد (۱۴۰۴ق). *الإحكام فی أصول الأحكام*. بیروت: دار الكتاب العربی.
 ۱۸. امینی، عبدالحسین (۱۴۱۶ق). *الغدير فی الكتاب والسنة والادب*. قم: مرکز الغدير.
 ۱۹. انصاری، عمر بن علی (۱۴۱۳ق). *المقنع فی علوم الحدیث*. ریاض: دار فواز للنشر.
 ۲۰. باجی، سلیمان بن خلف (۱۹۸۶م). *التعذیل والتجریح*. ریاض: دار اللواء.
 ۲۱. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۲۳ق). *الدرر النجفیة*. بیروت: دار المصطفی لإحياء التراث.
 ۲۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷ق). *الجامع الصحیح المختصر*. بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة.
 ۲۳. بصری، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). *المعتمد فی اصول الفقه*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
 ۲۴. بیهقی، أحمد بن الحسین (۱۴۱۰ق). *السنن الصغیر*. کراچی: جامعة الدراسات الإسلامیة.
 ۲۵. جرجانی، عبدالله بن عدی (۱۹۸۸م). *الکامل فی ضعفاء الرجال*. بیروت: دار الفكر.
 ۲۶. جزایری، محمدجعفر (۱۴۱۵ق). *منتهی الدرایة فی توضیح الکفاية*. قم: دارالکتاب.
 ۲۷. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۱۱ق). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
 ۲۸. حسینی صدر، علی (۱۴۳۰ق). *الفوائد الرجالیة*. قم: دلیل ما.

٢٩. حسيني، محمدرضا (١٤٢٢ق). المنهج الرجالى. قم: بوستان كتاب.
٣٠. حسيني قمى، سيد محمد (١٤١٩ق). المرتقى إلى الفقه الأرقى. تهران: دار الجلى.
٣١. حكيم، سيد محمد سعيد (بى تا). مصباح المنهاج. قم: مؤسسة المنار.
٣٢. حلى، حسن بن يوسف (١٤١٣ق). مختلف الشيعة. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٣٣. حلى، حسن بن يوسف بن مطهر اسدى (١٤١٩ق). نهاية الأحكام فى معرفة الأحكام. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
٣٤. حلى، حسين (١٣٧٩ق). دليل العروة الوثقى. نجف: طبعة النجف.
٣٥. حلى، محمد بن حسن (١٣٨٧ق). إيضاح الفوائد. قم: مؤسسه اسماعيليان.
٣٦. حوت، محمد بن محمد (١٤١٩ق). اسنى المطلب. بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٧. خطيب بغدادى، أحمد بن على (١٤١٧ق). تاريخ بغداد. بيروت: دار الكتب العلمية.
٣٨. _____ (١٤٢٣ق). الكفاية فى علم الرواية. مدينه منوره: المكتبة العلمية.
٣٩. _____ (١٩٧٤م). تقييد العلم. رياض: دار إحياء السنة النبوية.
٤٠. خلف، عواد (٢٠٠١م). روايات المدلسين فى صحيح البخارى. بيروت: دار البشائر الاسلامية.
٤١. خمينى، سيد روح الله (١٣٨٢ش). تهذيب الأصول. قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام.
٤٢. خويى، سيد ابوالقاسم (١٤١٨ق). كتاب الطهارة. قم: مؤسسه آفاق.
٤٣. _____ (١٤١٨ق). موسوعة الإمام الخوئى. قم: مؤسسة إحياء آثار.
٤٤. _____ (١٤١٨ق). التنقيح فى شرح العروة الوثقى. قم: مؤسسه آفاق.
٤٥. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد (١٩٦٧م). ديوان الضعفاء والمتروكين وخلق من المجهولين وثقات فيهم لين، مكة: مكتبة النهضة الحديثة.
٤٦. ذهبى، محمد بن أحمد (١٤١٢ق). الرواة الثقات. بيروت: دار البشائر الإسلامية.
٤٧. _____ (١٤٠٢ق). سير أعلام النبلاء. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٤٨. _____ (١٤١٩ق). تذكرة الحفاظ. بيروت: دار الكتب العلمية.
٤٩. _____ (١٩٩٥م). ميزان الاعتدال. بيروت: دار الكتب العلمية.
٥٠. رازى، ابوزرعه (١٩٩٥م). المدلسين. بيروت: دار الوفاء.
٥١. رازى، عبدالرحمن بن أبى حاتم (١٤٢٣ق). تحقيق جزء من علل أبى حاتم. رياض: جامعة محمد بن سعود.
٥٢. _____ (١٩٥٣م). الجرح والتعديل. بيروت: دار إحياء التراث.
٥٣. رازى، محمد بن عمر (١٤٠٠ق). المحصول فى علم الأصول. رياض: جامعة محمد بن سعود الإسلامية.
٥٤. زرکشى، محمد بن بهادر (١٤٢١ق). البحر المحيط فى أصول الفقه. بيروت: دار الكتب العلمية.
٥٥. زيعلى، عبدالله بن يوسف (١٤١٨ق). نصب الراية. جدة: دار القبلة.
٥٦. ساعدى، حسين (١٤٢٦ق). الضعفاء من رجال الحديث. قم: دار الحديث.
٥٧. سبزواري، محمدباقر بن محمد مؤمن (١٤٢٣ق). كفاية الأحكام. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٥٨. سبكي، تاج الدين بن على (١٤١٣ق). طبقات الشافعية الكبرى. بيروت: هجر للطباعة والنشر.

۵۹. سبکی، عبد الوهاب بن علی (۱۹۹۰م). *قاعدة فی المؤرخین*. بیروت: دار البشائر.
۶۰. سرخسی، شمس الدین ابوبکر (۱۴۲۱ق). *المبسوط*. بیروت: دار الفكر للطباعة.
۶۱. سیواسی، محمد بن عبدالواحد (۲۰۰۳م). *شرح فتح القدير*. بیروت: دار الفكر.
۶۲. سیوطی، جلال الدین (۲۰۰۰م). *تدريب الراوی فی شرح تقریب النواوی*. بیروت: دارالفکر.
۶۳. شبستری، عبدالحسین (۱۴۱۱ق). *أحسن التراجم*. مشهد: المؤتمر العالمي للإمام الرضا عليه السلام.
۶۴. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ق). *کتاب نکاح*. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۶۵. شهرزی، عثمان بن عبد الرحمن (۱۹۸۴م). *علوم الحديث*. بی جا: مکتبه الفارابی.
۶۶. شوکانی، محمد بن علی (۱۹۹۸م). *أدب الطلب ومنتهی الأدب*. بیروت: دار ابن حزم.
۶۷. _____ (۱۳۹۳ق). *البدر الطالع*. بیروت: دار المعرفة.
۶۸. _____ (۱۴۱۹ق). *إرشاد الفحول*. بیروت: دار الكتاب العربي.
۶۹. شبیبانی، احمد بن حنبل (۱۴۰۸ق). *العلل ومعرفة الرجال*. بیروت: دار خانی.
۷۰. _____ (۱۴۱۴ق). *سؤالات أبی داود، مدینه منوره: مکتبه العلوم والحکم*.
۷۱. _____ (۱۳۸۸ق). *مسند الإمام أحمد بن حنبل*. قاهره: مؤسسة قرطبة.
۷۲. شیخ سلیمان، العلوان (۲۰۱۹م). *شرح موقظة الذهبی*. مدینه: مکتبه العلمیه.
۷۳. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
۷۴. صنعانی، محمد بن إسماعیل (۱۴۱۷ق). *توضیح الأفكار*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۵. _____ (۱۴۱۷ق). *ثمرات النظر فی علم الأثر*. ریاض: دار العاصمة.
۷۶. طباطبائی قمی، سید تقی (۱۴۱۹ق). *الغایة القصوی*. قم: انتشارات محلاتی.
۷۷. _____ (۱۴۲۵ق). *مصباح الناسک فی شرح المناسک*. قم: انتشارات محلاتی.
۷۸. طبسی، محمدجعفر (۱۴۲۰ق). *رجال الشیعة فی اسانید السنة*. قم: مؤسسة المعارف الاسلامیه.
۷۹. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸۰. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام*. قم: مؤسسة المعارف الإسلامیه.
۸۱. _____ (۱۴۱۴ق). *حاشیة الإرشاد*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۸۲. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق). *رسالة فی الغناء*. قم: نشر مرصاد.
۸۳. عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *ملذات الأحکام*. بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۸۴. عتر، نورالدین (۱۹۹۷م). *منهج النقد فی علوم الحديث*. دمشق: دار الفكر.
۸۵. عجلی، أحمد بن عبدالله (۱۹۸۵م). *معرفة الثقات*. مدینه منوره: مکتبه الدار.
۸۶. عجمی، برهان الدین (۱۹۸۸م). *الاغتناب بمن رمی من الرواة بالاختلاط*. قاهره: دار الحديث.
۸۷. عزیزی، حسین (۱۴۳۰ق). *الرواة المشتركون بین الشيعة و السنة*. تهران: المجمع العالمي للتقريب.
۸۸. عسقلانی، أحمد بن علی (۱۳۷۹ق). *فتح الباری*. بیروت: دار المعرفة.
۸۹. _____ (۱۴۰۶ق). *لسان الميزان*. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۹۰. _____ (۱۴۱۹ق). *التلخیص الحبير*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹۱. _____ (۱۴۰۴ق). *تهذیب التهذیب*. بیروت: دار الفكر.
۹۲. غزالی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *المستصفی فی علم الأصول*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۹۳. قاری، علی بن سلطان (۲۰۱۹ق). شرح نخبة الفكر. بیروت: دار الأرقم.
۹۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴ق). اختیار معرفة الرجال. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۹۵. کلاباذی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق). رجال صحیح البخاری. بیروت: دار المعرفة.
۹۶. کلباسی، محمد بن محمد ابراهیم (۱۴۲۲ق). الرسائل الرجالیة. قم: دار الحديث.
۹۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الاسلامیة.
۹۸. لکنوی، محمد عبدالحی (۱۴۰۷ق). الرفع والتکمیل. حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة.
۹۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). مرآة العقول. تهران: دار الكتب الإسلامیة.
۱۰۰. مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۵ق). الانتصار فی انفرادات الإمامیة. قم: انتشارات اسلامی.
۱۰۱. مرعی، حسین عبدالله (۱۴۱۷). منتهی المقال فی الدراية و الرجال. بیروت: مؤسسة العروة الوثقی.
۱۰۲. مظفر، محمد حسن (۱۴۱۷ق). دلائل الصدق لنهج الحق. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۰۳. _____ (۱۴۲۶ق). الإفصاح عن أحوال رواة الصحاح. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
لإحياء التراث.
۱۰۴. مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ش). اصول الفقه. قم: اسماعیلیان.
۱۰۵. معلمی، عبدالرحمن بن یحیی (۱۳۹۳ق). التنکیل، بی جا: المکتب الاسلامی.
۱۰۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). الإفصاح فی الإمامة. قم: دار المفید.
۱۰۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ق). انوار الأصول. قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۰۸. مناوی، عبد الرؤوف (۱۳۵۶ق). فیض التقدير. قاهره: مکتبة التجاریة الكبرى.
۱۰۹. _____ (۱۹۹۹م). الیواقیت والدرر. ریاض: مکتبة الرشد.
۱۱۰. منبجی، علی بن زکریا (۱۴۱۴ق). اللباب فی الجمع بین السنة والکتاب. دمشق: دار القلم.
۱۱۱. موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۱۸ق). تفصیل الشریعة. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۱۱۲. موسوی روضاتی، احمد (۱۴۳۲ق). إجماعات فقهاء الإمامیة. بیروت: مؤسسة الأعلمی.
۱۱۳. موسوی خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ق). کتاب الطهارة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۱۴. موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. تحقیق / تصحیح: مؤسسه إحياء آثار آية الله العظمی خویی علیه السلام. قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی علیه السلام.
۱۱۵. موسوی قزوینی، سید علی (۱۴۲۷ق). الاجتهاد والتقليد. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱۶. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۱۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۱۷ق). خاتمة المستدرک. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۱۱۸. نووی، یحیی بن شرف (۱۳۹۲ق). المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱۹. نیشابوری، مسلم بن الحجاج (۱۴۱۲ق). صحیح مسلم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۳ق). قراءات فقهیة معاصرة. دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۲۱. وحید بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۶ق). الرسائل الأصولیة. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.

۱۲۲. یاسین الفحل، ماهر (۱۴۳۰ق). *اثر اختلاف الاسانید و المتون فی اختلاف الفقهاء*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲۳. یاسین فحل، ماهر (۱۹۹۹ق). *اثر علل الحدیث فی اختلاف الفقهاء*. عمان: دار عمار.
۱۲۴. یحصبی، عیاض بن موسی (۱۴۱۸ق). *ترتیب المدارک*. بیروت: دار الکتب العلمیة.

مقالات

۱۲۵. ربانی بیرجندی، محمدحسن (۱۳۷۸)، «وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی فقه، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، شماره ۱۹ و ۲۰، ص ۱۴۵ - ۲۰۷.
۱۲۶. سند، محمد (۱۳۸۶)، «جایگاه بحث مضمونی نسبت به بحث صدوری»، پژوهش‌های اصولی، شماره ۷، ص ۸۵ - ۱۰۴.
۱۲۷. شهیدی، روح‌الله و همکاران (۱۳۹۴)، «جستاری در معیارهای اعتبارسنجی روایات تفسیری شیعه»، فصلنامه حدیث و اندیشه، شماره ۱۹، ص ۳۰ - ۴۸.
۱۲۸. طباطبایی، سید محمد (۱۳۹۹)، «نقش سند در حجیت حدیث از منظر فریقین»، قم، مجله صراط، ص ۱۰۷ - ۱۴۸.
۱۲۹. فرج‌پور، مرتضی (محرم ۱۴۲۳)، «نظرة سريعة فی أصول مبانی أبناء العامة فی الجرح والتعديل»، مجله تراثنا، شماره ۲۷، ص ۱۰ - ۵۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی